

کیومرث نخستین بشر است؟ زادگاه این اندیشه نخستین بشر آریائی کیومرث بود، کجاست؟

جلیل ضیا، پور
بنیاد شاهنامه فردوسی

چه بسا که شخصیت‌های داستانی ما، بر حسب گزارشها باید در مکانی باشند که نیستند، و باید در زمانی زیسته باشند که می‌باید. ولی، این زمان محدود بمرور، کیش آمده است و شخصیت‌ها در زمان و مکان گسترده‌ای زیسته‌اند و زمان بسیاری را دریافته‌اند (بوژه، ازدوره پیشدادیان بعد از منابع اوستائی و دیگر منابع دوره اسلامی، این استنباط دست می‌دهد).

بر مبنای مدارک مزبور، و با توجه به سیاق فکری انسان در چگونگی خلق بشر، که همه آدمیان و ادیان به آن توجه خاص داشته‌اند، نخستین جاندار آریائی، کیومرث بوده است «که هم اصل و نطفه افراد آریائی است^۱ و هم به صورت آدمی راهنمای آریائیان بوده و به کوه اندرون می‌زیسته است^۲».

اگر این اصل را در نظر داشته باشیم: «که داستانهای اساطیری اقوام، نمایشگر شیوه زندگی و معارف زیر بنای اندیشه‌های جمعی آنان در گذشته‌های بسیار دور است» پس، چگونگی آفرینش کیومرث و برداشتهای منتسب به او را می‌باید نمایشگر شیوه زندگی نخستین آریائیان دانست که در خاستگاه خود، آنچنان می‌زیسته، و در نتیجه، می‌اندیشیده‌اند. از اندیشه آنان چنین بر می‌آید: که پیش از کیومرث، جاندار بر زمین نبوده است، مگر اهریمن و تابعانش که دیرتر با هرمزد و آفریدگانش از در مخالفت درآمده بودند: «اندر دین گوید که بدی را اهریمن بر آفرینش هرمزد پدید آورد؛ و چنین گوید از آن زمان که آفرینش را پدید آوردم نه من که هرمزد برای نگاهبانی آفریدگان خویش به آسودگی نشسته‌ام، و نه نیز او که اهریمن است برای بدکردن بر آفرینش^۳».

اندر هزاره هفتم، نخستین جاندار که خدا آفرید مردی بود و گاوی^۴. نام مرد «کهورم» بود^۵، و بالایش برابر پهنایش بود. نام گاو «ایود آد» بود^۶، و بالایش بمانند کیومرث بود. کیومرث، نطفه همه آدمیان بود، و زمین و گاو و گیاه را همی داشت^۷. «اهریمن به نیمروز به مرز آسمان فراز آمد. آسمان، زره بر تن با اهریمن همی جنگید^۸. آسمان، آنگونه بترسید که میش از دیدن گرگ بخود لرزد. اهریمن، تازان و سوزان برآمد. بر آب، بر آمد. تلخی و بد مزگی را بر آن فراز برد. به میان زمین برآمد. مارگونه از این واز آن سوراخ برآمد و پهنه زمین را بستافت و به سفت، تا اندر ایستاد. بر گیاه برآمد که تک بن بود، که بالایش برابر پهنایش بود، و همه گونه زور گیاهان را اندر سرشت

داشت ، آنرا در زمان بخشکانید . به گاو برآمد که یکتا آفریده بود ، و ماده گاوی سپید و روشن چون ماه بود . هرمزد ، پیش از فراز آمدن اهریمن بر کیومرث ، خواب را بر کیومرث فراز برد ، و از پیشی ، او را پاسبانی کرد . اهریمن به خود بیالید که همه جای آسمان و زمین را بی روشنی کردم . آب را آلودم . زمین را سفتیم . گیاه را خشکاندم . گاو را میراندم ؛ و نیز کس فرستاد تا کیومرث را با یک هزار بیماری گونه گونه سازند و بمیرانند . اما ، زروان بخت آفرین ، تا سی زمستان دیگر (گفت) جان کیومرث نیک را رهائی بخشم .

چون کیومرث از خواب فراز آمد ، آنگاه جهان را دید که چون شب تاریک بود . بر همه زمین ، مار و کژدم و بس گونه خرفستران و دیگر آئین اندروائیان ، ایستاده دیدم .

این آگاهی از جنگ و جدال (میان اهریمن و هرمزد) ، ما را وامیدارد تا بخاطر دستیابی به علل و مبانی تعارض دائمی بین دو نیروی خیر و شر ، به محیط زندگی نخستین آریائیان ، براساس بازتابی اندیشه های آنان ، توجه خاص کنیم ، تا دریابیم که این اوضاع و احوال در چگونه محیطی میتوانسته است پیش آید ، و به اصطلاح ، این اندیشه های نخستین آریائیان در چه نوع محیطی نضج گرفته است .

باستانشناسی و مردم شناسی ، توجیه میکنند که آریائیان از شمال آسیا ، به همراه دسته بزرگ آریائی ، آسیای میانه را طی کرده ، و به سوی نواحی جنوب پراکنده شده اند ؛ و خاستگاه نخستین هند و اروپائیان را (که آریائیان از آن میان به سوی آسیای میانه و جنوب سرازیر شده اند) از نواحی بالای رود «ینی سئی» در سیبری میدانند که از شرق تا غرب را فرا گرفته بوده اند .

اگر این خاستگاه را جای واقعی نخستین مهاجران هند و اروپائی و آریائیان بدانیم ، باید بطور قطع ، بدانیم که این سرزمین نزدیک به قطب ، زمینیه پیش آمدهای طبیعی بسیاری را برای ایجاد اندیشه های تضاد و معارض ، فراهم میداشته است . زیرا ، ما از وضع شمال و طبیعت یخبندانی و بازیهای شفق قطبی و تاریکی نیمساله آن سامان ، خبر داریم ، و میدانیم که نیز سکاها که خود تیره ای از آریائیانند از سرزمینی سخن گفته اند که از آسمانش پر می ریخته است « و در شمال سرزمین اقوامی از آنها ، بر اثر ریزش این پرها چشم جائی را نمی دیده ، و همه جای را این پرها پوشانده و فضا از آنها آکنده بوده است »^{۱۰} .

در «وندیداد» از یخبندانی و مشکلات زندگانی سامان شمال گزارش روشن در دست

۱- در کتاب «اساطیر ایران» تألیف مهرداد بهار ، ص ۱۸ س ۵ (از یادداشت های بخش دوم بشماره ۲) بنقل از «بند هشن» ص ۲۱ س ۶ چنین آمده است : « این کیومرث است که بلندی قد و پهنایش با یکدیگر برابر است . شاید در اصل ، کیومرث ، و گاو نخستین ، و گیاه نخستین ، همه بنا بر اساطیر کهن ، چنین بوده اند ؛ و این موجودات نخستین ، شباهتی به گیاهان ، جانوران و مردمان واقعی نداشته اند ، و بیشتر ، نقش تخمه نخستین را بازی می کرده اند .

۲- شاهنامه فردوسی (چاپ مسکو) س ۹ مبحث کیومرث :

«کیومرث شد بر جهان کنخدای نخستین به کوه اندرون ساخت جای»

۳- بنقل از «بند هشن» ص ۱۸۱ س ۸ تا ص ۱۸۸ س ۵ منقول در کتاب «اساطیر ایران» .

۴- ۵- ۶- مجمل التواریخ والقصص ص ۲۲ سطر ۱۱ بنقل از حمزه اصفهانی (چاپ کلاله خاور) .

۷- کتاب «پیامبران و شاهان» حمزه . فصل پنجم . آغاز آفرینش . صفحه ۶۱ .

۸- کتاب «اساطیر ایران» ص سی و چهار پیشگفتار . س ۱۲ آمده است : « مینوی آسمان در اساطیر زردشتی (که آسمان ، مظهر جهانی آنست) خود شکل پهلوانی دارد که زره برتن کرده است و با اهریمن می جنگد » .

۹- بنقل از « زاد اسپرم » ص ۹ س ۱۰ تا ص ۱۶ س ۱۰ منقول در کتاب « اساطیر ایران »

ص ۱۳ .

۱۰- مراجعه شود به بند هفتم از مجلد چهارم کتاب فارسی شده «هرودوت» .

است؛ و جمشید که خود چهارمین شخصیت آریائی است، سه بار از آن نواحی تاریک شمالی و یخچندان کوجیده، خود را به سوی جنوب روشن و آریاوج رسانده است.

اگر این وقایع را با بررسی‌های طبیعت‌شناسان، مطالعه و مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که با پیدایش یخچالها در دوران چهارم زمین‌شناسی و گسترش آنها که توده‌های بهم برانباشته یخها، چون عرفچین تمام شمال قاره‌های آسیا، اروپا و امریکا را پوشانده بوده، و از سمت مشرق، آسیا را از «ینا» تا «دنی‌پیر» (در روسیه) در نوردیده، و بموازات کوههای «اورال» به سمت شمال متمایل شده‌اند^{۱۱}، این عوامل می‌توانند پاسخگوی پاره‌ای مجهولات از انعکاس اندیشه‌های محیط زیست آریائیان نخستین باشند و بنمایند «که از بزرگترین عوامل ایجاد داستان (که در میان آنها واقعیاتی نیز نهفته است) محیط زیست و مؤثرات موجود در آن است».

در آسیا که یخچال‌های «اورال، هیمالیا، پامیر، آلتائی و کوههای سبیری شمالی که بینابین خود حوزه‌های محصور و محدود ایجاد کرده بودند، و باعث شدند که در این حوزه‌ها تکامل انسان عملی گردد^{۱۲}، عوامل محیطی این نواحی، خوب می‌توانند خاطره‌هایی نظیر آنچه، باز تابش را در اندیشه کیومرث بشری، و جنگ اهریمن و هرمزد می‌بینیم، پاسخگو باشد؛ و چه بسا که نفرین «ای باد شمال بگریز، ای باد سوی شمال نابود شو^{۱۳}» که آریائیان با وحشت و خشم ادا می‌کرده‌اند، خاطره سینه بسینه مانده بسیار دوری از بادهای وحشتزای به اصطلاح اهریمنی یخچندانها و طوفانهای بین دوره‌ای سرزمین شمال بوده باشد؛ و اگر، انعکاس شیوه زندگی مردم هر محیطی را در اندیشه‌های اساطیری آنها می‌توان جست، بعید نمی‌نماید که اعمال اهریمنی سرزمین شمال، همان مشکلاتی باشد که در وندیداد آمده و طبیعت آن سامان بوجود می‌آورده است و به صورت اعمال اهریمنی در اذهان باقی مانده بوده باشد:

«اهریمن به نیمروز به مرز آسمان فراز آمد. آسمان که زره بر تن با او مبارزه میکرد، آنگونه بترسید که میش از گرگ لرزد. اهریمن، تازان و سوزان برآمد، مارگونه از سوراخی بسوراخی برآمد. برگیاه برآمد. به گاو برآمد، و نیز به کیومرث نخستین آفریده برآمد تا او را بیمار سازد و بمیراند. اما، زروان بخت آفرین او را تا سی زمستان دیگر (گفت) از مرگ رهائی بخشم. کیومرث چون از خواب فراز آمد، همه جای جهان را چون شب تاریک دید و در آن، از همه‌گونه خرفستران و دیگر آئین اندروئیان!

در بستگی هردین به محیط زیست، و اثرات و معتقدات وابسته به آن (با همه حشو و زوائدش) که بازتاب خاصی در اندیشه‌ها و اساطیر به وجود می‌آورد، براین مبنا، روشن است که دین تضاد میباید محیطی در زمینه محیط شمال و عوامل جوی‌ای چون عوامل قطبی میداشته باشد:

«قبایل مختلف آریائی که در شمالی‌ترین نقطه آسیا می‌زیسته‌اند پس از آنکه بر اثر تحولات نجومی تغییراتی در وضع فصول پدید آمد، چون از علت آن آگاهی نداشتند در برابر آن، دچار وحشت شدند و این امر، خود اساس بسیاری از تصورات و اندیشه‌های آنان گردید.

ساکنان شمال، ناگهان درمی‌یابند: شبی که سحری به دنبال نداشت (با تاریکی‌ای که جهان را فرا گرفت) پدید آمد، و با خود سرما و یخچندان و مرگ و وحشت به‌مراه آورد. هرچند به انتظار برآمدن روز و خورشیدش وقتگذاری کردند، بپایان نیامد. آریائیان روزگار نمی‌دانستند که چرا ناگهان آنهمه دگرگونی پدید آمد و زمانه، رنگی دیگر بخود گرفت؟!!

پس از آن شب، نه خروسی خواند و نه گاو شمالی هرا کشید. درختان از سرما

فسردند و همه جا را یخبندان فرا گرفت. شفق قطبی بوالعجبی‌ها میکرد، و بازی امواج نور، بنظر جدال عفریت‌ها جلوه میکرد. این نمودهای قطبی، آنها را برآن میداشت تا به وجود عفریت‌ها و فرشتگانی که با هم در جدال پی گیرند، معتقد شوند. این نمودها برای ناظران، زمینه‌هایی فراهم آورد که منشأ جدال اهریمن و اورمزد گردید»^{۱۴}.

این شرح داستانی که تجسم صحنه‌هایش واقعیتی از اصل تأثیر محیط را شامل است، با کمک موازین دیگر بسیاری، این نتیجه را پذیرفتنی میسازد که آریائیان نخستین، بسبب داشتن این چنین اندیشه‌هایی (مبتنی بر تضاد) میبایست در آنچنان محیطی میزیسته باشند تا چنین اندیشه‌هایی را سینه بسینه منعکس میکرده باشند.

بنابراین « نخستین اندیشه کیومرث - بشری » (با همه عواملی که درباره او در گزارشها آمده است) باید در سرزمینهای هرچه شمالی‌تر (جائیکه آثار شفق قطبی و تاریکی نیمساله در آن محسوس بوده) نشأت گرفته باشد و در آن سامان‌هاست که این اندیشه، تألیف و ترکیب و نضج گرفته و از مکانها و زمانها گذشته تا بمکان و زمان ما رسیده است. اما، در گزارشهای دوره اسلامی، جای ترکیب داستان کیومرث به اختلاف آمده است، و در بیرون از داستانی بودن او، در آنهانگام که او را نخستین آفریده دانسته‌اند و سپس برای سرپرستی آریائیان به کوه اندرون جای داده‌اند، جای او را به بلخ و دماوند^{۱۵} داده‌اند و برای غلبه پاکدینی را (و غلبه هرمزد بر اهریمن را) کیومرث بر گرده اهریمن سوار میشود و به اطراف و اکناف عالم میگردد و با وصف مقهور شدن بدست اهریمن، از طریق ایجاد نسل، جاودانه میشود. والله اعلم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱۱ - مراجعه شود به کتاب «سنگواره‌های انسان عصر حجر» (اسناد و مدارك تكامل آدمی). مبحث دوران چهارم معرفت‌الارضی. تألیف: ژولین.
- ۱۲ - مراجعه شود به ص ۸ س ۱۵ کتاب «سنگواره‌های انسان عصر حجر».
- ۱۳ - مراجعه شود به اردیبهشت یشت فقرات ۹، ۱۲ و ۱۶ و خرداد یشت فقره ۸.
- ۱۴ - از کتاب «سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان» ص ۳۶۲ س ۲. تألیف رکن‌الدین همایون فرخ.
- ۱۵ - تاریخ بلعی. مبحث کیومرث.